

«روزی روزگاری آبادان» اصلاً ربطی به جنگ ایران و عراق و هیچ جنگ دیگری ندارد. در واقع جنگ خودش را وارد داستان می‌کند. جنگی که برای ما هم نیست

حمیدرضا آذرنگ از اولین تجربه کارگردانی در سینما می‌گوید

«روزی روزگاری آبادان» ربطی به جنگ ندارد!

حامد قریب
خبرنگار



حمیدرضا آذرنگ را بیشتر با بازی‌های تحسین برانگیزش در فیلم‌های «تنگه ابوقریب»، «ملکه» و سریال‌های «دندون طلا» و «شاهگوش» می‌شناسیم. اما آذرنگ پیش از ورود به سینما در عرصه تئاتر نیز به عنوان بازیگر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان حضور پررنگ و موفق داشته است. او اکنون با این پیش زمینه سراغ ساخت اولین فیلم سینمایی خود «روزی روزگاری آبادان» رفته است. این فیلم برگرفته از نمایشی به همین نام است که در سال ۸۴ به کارگردانی حمیدرضا آذرنگ در تئاتر شهر روی صحنه رفت و با استقبال مخاطبان مواجه شد. نسخه سینمایی «روزی روزگاری آبادان» روایت زندگی خانواده‌ای پنج نفره است که در آخرین روز سال مشغول خرید شب عید هستند، اما به دلیل حال بد پدر خانواده که ناشی از گرفتاری‌اش به مواد مخدر است کشمکش میان آنها در می‌گیرد. در اوج تلاش مادر خانواده برای به آرامش رساندن خانواده به ناگاه اتفاقی غیرمنتظره همه آنها را غافلگیر می‌کند... فاطمه معتمدآریا، محسن تنابنده، الهام شفیعی، هیراد آذرنگ، سهیل جمالی، امیرحسین ابراهیمی بازیگرانی هستند که در این اثر به ایفای نقش پرداختند. با حمیدرضا آذرنگ پیرامون چگونگی ساخت اولین تجربه بلند سینمایی‌اش به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه آمده است.

■ سال ۸۴ نمایشی با عنوان «روزی روزگاری آبادان» را در تئاتر شهر به صحنه بردید. اول اینکه آیا این فیلم روایتگر همان داستان است و دوم اینکه در این صورت آیا فکر می‌کنید نمایش در آن سال توانسته کارگرد خود را داشته باشد که حال به سراغ ساخت اثر سینمایی آن رفتید؟

این دو مقوله جدا از هم هستند. سال ۸۴ اتفاقی را شنیدم و نمایشی از آن درآمد که مختص همان سال‌ها بود. بالاخره در مدیوم تئاتر تعداد آدم‌هایی که می‌توانستند آن کار را در یک سالن ۱۰۰ نفره ببینند، با ۳۰ اجرا بیش از ۳ هزار نفر نمی‌شود. از همان موقع دلم می‌خواست با تعداد بیشتری این حرف را به اشتراک بگذارم. حدود ۱۸ سال از آن زمان گذشته است. بن مایه این فیلم نیز همان اثر است اما برای تبدیل آن اثر نمایشی به مدیوم سینما خیلی زمان گذاشتم. نزدیک به ۹ ماه فقط برای بازنویسی‌های مکرر فیلمنامه زمان گذاشتم و در نهایت به فیلم کنونی که قرار است در جشنواره به نمایش در بیاید رسیدیم.

■ اکثر آثار شما در تئاتر به جنگ مربوط می‌شود و اکنون نیز در اولین فیلم خود به سراغ سینمای جنگ رفتید. اکنون نیز سالانه شاهد هستیم که افرادی با ساخت فیلمی در حوزه دفاع مقدس سعی در ورود به سینما دارند. به طور کلی از نظر شما سینمای جنگ باید دارای چه مؤلفه‌هایی باشد تا مخاطب خود را جذب کند و مخاطب همواره با آن همراه بماند؟
در دنیای ما پدیده‌هایی هستند که یا محصول خشم طبیعت یا محصول خشم آدمی بر خودش، همنوعش یا طبیعت است. این موضوعات بشدت می‌توانند سوزهای دراماتیکی باشند. چراکه قصه‌های بسیاری در دل خود نهفته دارند. زلزله و سیل و بیهوشی از پدیده‌های طبیعی دیگر از جمله همین موارد است که خشم طبیعت را



می‌رساند و کلی سوز، قصه و خرده قصه، داستان‌های دراماتیک و رمانتیک را می‌توان از دل آن بیرون کشید. جنگ که محصول خودخواهی‌های بشری بوده در تمام دنیا تجربه شده و تنها مختص به ایران نیست. به قدمت تاریخ خلق بشر، جنگ هم قدمت دارد و پیر از اتفاقاتی است که واقعی می‌توانند هم دراماتیک باشند و هم تاریخ مصرف نداشته باشند. چون مقوله‌ای است که مدام در حال تکرار است. همین الان هم جهان روی لایه‌ای از آشوب وحشت از جنگ‌گذران عمر می‌کند.

■ و در همین لایه‌ها به اقتدر حرف برای گفتن هست که همچنان بن مایه ساخت آثار سینمایی شود؟

این پلیدترین واژه ادبیات سه حرف دارد ولی بی‌نهایت حرف‌ها در آن نهفته است و چه بلایی که می‌تواند بر سر یک سرزمین، قوم، قبیله و ملت بیاورد. همین‌طور که می‌بینیم و شاهد هستیم همچنان راجع به جنگ‌های جهانی مستنداتی بیرون می‌زند که منتج به ساخت آثار سینمایی می‌شود که هنوز که هنوز است دیدنی هستند. بماند که این اتفاق چقدر به تکنیک، فن و ابزار که در اختیار یک کارگردان است بستگی دارد. البته روایت قصه از هر منظری می‌تواند شکل و شمایل دیدنی و شنیدنی داشته باشد.

■ قصه فیلم تازه‌تان در باره جنگ است؟

«روزی روزگاری آبادان» اصلاً ربطی به جنگ ایران و عراق و هیچ جنگ دیگری ندارد. در واقع جنگ خودش را وارد داستان می‌کند. جنگی که برای ما هم نیست. در اینجا شاهدیم که اتفاقی سبب شده تا مسیر یک زندگی دچار تحول شود.

■ با این تفسیر می‌توانیم این‌طور نتیجه بگیریم که مضمون این اثر به این سمت رفته که آدم‌های

معمولی هیچ تأثیری در جنگ ندارند ولی جنگ سیاستمداران روی زندگی آنها تأثیر مستقیم دارد؟

نمی‌توانم قصه را لو بدهم. تنها در همین حدود می‌توانم بگویم که قصه ما اسفند ۸۱ اتفاق افتاده و داستان یک خانواده را روایت می‌کند که در حال زندگی عادی خود هستند.

در باره فیلم کوتاه «جلد»

مسخ

احسان طهماسبی
منتقد سینما



از زمانی که مسخ فرانکس کافکا، به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات فانتزی قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت، بارها فیلمسازان کوتاه و بلند، این شاهکار ادبیات جهان را مورد اقتباس قرار دادند. داستان تبدیل شدن یک انسان به مخلوقی دیگر، علاوه بر اینکه در ذهن، اشکال فراطبیعی را به عنوان عنصر اولیه طرح و توطئه، وارد فضای داستان می‌کند، قواعد و قوانین فیزیکی و طبیعی را نیز زیر پا می‌گذارد. در فیلم «حیوان» (بهمن و بهرام ارک)، تلاش خستگی‌ناپذیر مرد برای خروج از مرز، او را وادار به تقلید از حیوانی می‌کند و همین تقلید، مرد را دچار بحران هویتی کرده و حلول روح حیوان در مرد، مرگ عجیبی را برایش رقم زد.

فیلم کوتاه «جلد»، از همین ابزار ادبیات مدرن استفاده می‌کند و انگیزه‌های جدیدی را به داستان قدیم مسخ تزریق کرده و بدین شکل علاوه بر اینکه به بیان مفهومی عمیق که ریشه در عطش و شهوت انسان برای دستیابی به موفقیت دارد اشاره می‌کند، داستان خلاقانه‌ای از ورود مردی بازیگر، به دنیایی لامکان و لازمان را نیز به نمایش می‌گذارد. دنیایی که حاصل درک دقیق و شناخت عمیق مرد از نقشی است که به او محول شده و او در برداشت‌های متعدد سر صحنه، نتوانسته به آن نفوذ کند. اما شور و اشتیاق او برای تصاحب نقش حیوانی عجیب که روبه‌روی پرده کروماکی صداهایی گوش‌خراش در می‌آورد و شماتت و سرزنش و سرخوردگی که از سمت کارگردان و گریمر به او تحمیل می‌شود، مرد را دچار این دگرپرسی می‌کند و تحیر و تعجب همه را برمی‌انگیزد. ورود مرد بازیگر به جهان جدید، صرفاً از نوع فرورفتن او در فضای نقش نیست. مرد به واسطه مغروق شدن در حال و هوایی که در ابتدای فیلم برای او توضیح داده می‌شود، به دنیایی ورود می‌کند که دیگر خود را با شمایل فیزیکی قبلی نمی‌بیند و به مکان نامعلومی وارد می‌شود که به عمد از شرح آن در فیلم، سخنی به میان نیامده است. نمایش موجودی برهنه

در مکانی تنها و با اتمسفری خاص، گویی اشاره‌ای به علم فیلوژنتیک دارد و به نوعی پرتویی از اندیشه‌ها و نظریه داروین در خلقت است، به اندازه‌ای در ذهن بازیگر ساخته و پرداخته و مهندسی شده است که اجزایش با دقت، در میزانشی فراطبیعی در کنار هم قرار گرفته‌اند و امکان خروج از آن جهان را سخت و حتی غیرممکن کرده است.



«جلد»، تنها، نمایشی از تلاش

بی‌نهایت و با تمام قوای مردی عاشق سینما و تصویر نیست، بلکه الگویی رفتاری و عملی برای رسیدن به خواسته‌های کوچک و بزرگ انسان‌هایی است که هیچ مانعی برای رسیدن به هدف نمی‌بینند و از هیچ تلاشی فروگذار نیستند.